

پنج‌شنبه ۲۸ شهریور ۱۳۹۸ | ۱۹ محرم ۱۴۴۱

تحلیل مهدی پورصفا

شواهد تاریخی نشان می‌دهد هر گاه اعتراضات کارگری در کشوری شکل گرفته است دو عامل، یکی ناکارآمدی مدیریت داخلی و دیگری توطئه‌های خارجی در این اعتراضات نقش اساسی داشته‌اند.

ساحل شهر گداسک در سواحل دریای بالتیک شهری معمولی است مثل تمام خرده‌مجمع‌های کارگری در اروپای شرقی یا کارخانجات کشتی‌سازی که مدت‌هاست از رمق افتاده و جای خود را به صنایع دیگری داده است، با این حال در سال ۱۹۷۹ میلادی و همزمان با تحولات انقلاب اسلامی این شهر قلب خیزش کارگری جدیدی در پشت پرده آهنین بوده شورش در طبقه‌ای که برخلاف جنبش‌های ضد کمونیستی سابق این بار برخلاف طبقه دانشجو و روشنفکر از دل کارگران مهم‌ترین طبقه اجتماعی حزب کمونیست آغاز شد. بسیاری اعتقاد دارند که جنبش کارگران لهستانی که «سولیدارنوژ» نامیده می‌شد نقش بسیار مهمی در تضعیف و سرنگونی حاکمیت کمونیست‌ها در شرق اروپا و متعاقب آن فروپاشی دیوار برلین داشت.

اسناد و مصاحبه‌های منتشر شده در طول سال‌های اخیر به خوبی نشان داده است که برخی نهادهای آمریکایی همچون بنیاد دفاع از دموکراسی در کمک به این جریان نقش اساسی ایفا کرده‌اند. حال با داشتن این سابقه تاریخی می‌توان این گونه نتیجه‌گیری کرد که برخی اتفاقات و رویدادهای اخیر در ایران همچون ماجرای هفت تپه و هیکوی اراک تکرار همان سناریو است. ظاهر ماجرا ممکن است همین را نشان دهد اما واقعیت پیچیده‌تر از آن است که به همین راحتی بتوان درباره آن قضاوت کرد.

نگاهی به تاریخ سیاسی ایران نشان می‌دهد که جنبش‌های چپ همواره از نفوذ عمیق به طبقات کارگری در ایران ناتوان بوده‌اند. به‌رغم اینکه بر اساس تئوری‌های مارکس این طبقه کارگر بود که باید به عنوان موتور اصلی فعالیت احزاب چپ و کمونیستی ایفاي نقش می‌کرد، اما همواره این طبقات روشنفکر و تخبه دانشگاهی بودند که برای تغییر در اوضاع جامعه سراغ این احزاب رفته‌اند. در دوران پس از انقلاب اسلامی به‌رغم رویکرد براندازانه این افشار همچون چریک‌های فدایی خلق و حزب توده به دلیل عدم‌حمایت کارگران از آنها هیچ‌گاه نتوانستند به عنوان جانش جدی در مقابل نظام جمهوری اسلامی ایران ظاهر شوند. علاوه بر این افشار مختلف کارگران فدایی یکی از ستون‌های استوار حامی انقلاب اسلامی چه در زمان جنگ تحمیلی و چه پس از آن بودند. در دوران فتنه سال ۸۸نیز به‌رغم برخی تلاش‌ها برای ایجاد اعتصاب جدی در صنایع حساس و مهم کوچک‌ترین اقبالی از سوی کارگران به چنین ایده‌هایی شان داده نشد.

با وجود این آنچه سبب شده تا برخی چالش‌ها در

گزارش

پس از اتهام‌زنی بی‌اساس امریکا به ایران درباره دخالت در حمله تلافی جویانه یمن به تأسیسات نفتی عربستان سعودی، تهران در یادداشتی رسمی از طریق سفارت سونیس درباره هر گونه اقدامی از ناحیه امریکایی‌ها هشدار داد. به گزارش فارس، به دنبال اتهامات اخیر مقامات امریکایی به جمهوری اسلامی ایران درباره دست داشتن در حمله به تأسیسات نفتی عربستان سعودی (ارامکو)، جمهوری اسلامی ایران یک یادداشت رسمی و هشدار آمیز به طرف امریکایی ارسال کرده است.

براساس گزارش فارس، روز دوشنبه و در پی اتهامات اخیر مقامات امریکایی در خصوص دست داشتن ایران در حمله تلافی‌جویانه یمن به تأسیسات نفتی عربستان سعودی، جمهوری اسلامی ایران در یادداشتی رسمی از طریق سفارت سونیس، حافظ منافع امریکا در ایران، به دولت ایالات متحده امریکا درباره هر گونه اقدام علیه ایران هشدار داده و هر گونه دخالت ایران در این قضیه را نیز رد کرده است. در این یادداشت ضمن محکوم کردن ادعاهای مایک پمپئو وزیر خارجه امریکا و دیگر مقامات امریکایی علیه ایران، اعلام شده که اگر حمله‌ای اولو محدود یا به ایران صورت بگیرد، واکنش جمهوری اسلامی فوری و شدید است و به منشا تهدید، محدود نخواهد شد و ممکن است دامنه وسیع‌تری از منشا تهدید را نیز در بر بگیرد. براساس شنیده‌ها مفاد و محتوای این پیام از طرق مقتضی به گوش سعودی‌ها نیز رسیده است.

حوزه کارگری و فضای عمومی اجتماعی کشور ظاهر شود، بحران‌های مدیریتی در نظام اقتصادی کشور بوده است.

سیاست‌های تعدیل اقتصادی که از سال ۱۳۶۸ و همزمان با روی کار آمدن دولت سازندگی در کشور اعمال شد، سبب شده عملاً توان چانه‌زنی کارگران در محیط اقتصادی کشور به شدت کاهش یابد. شوک‌های مداوم تورمی همچون شوک تورم ۵۰درصدی در سال ۱۳۷۲ و همچنین شوک تورمی در سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۷ عملاًسبب شده دستمزدهای موجود دیگر کفاف توان تأمین هزینه‌های کارگران را ندهد.افزایش دستمزدها که بر اساس یک آیین‌نامه دولتی از سوی شورای دستمزد در اواخر هر سال ابلاغ می‌شود، عملاًناتوانسته این شکاف تاریخی را پر کند.

■ **خصوصی‌سازی افسار گسیخته؛ بلای جان کارگران**
از این گذشته سیاست خصوصی‌سازی‌ای که در سال‌های گذشته به اقتصاد تحمیل شده نیز مشکلات دیگری را برای کارگران ایجاد کرده است. به‌رغم اینکه تصور می‌شد خصوصی‌سازی بتواند منجر به افزایش بهره‌وری در صنایع کشور شده و به رشد اقتصادی بالاتری منجر شود، عملاً شاهد هستیم که کارخانجات خصوصی‌سازی شده یکی پس از دیگری تعطیل و دچار کاهش تولید می‌شوند.

نمونه آشکار چنین وضعی را می‌توان در کارخانجات ماشین‌سازی هیکو دید که یک صنعت راهبردی

سیاسی۸۸۴۹۸۴۳۰

سرویس سیاسی۸۸۴۹۸۴۳۰

روانامه جوان | شماره ۵۷۵۰

سرویس سیاسی۸۸۴۹۸۴۳۰

کارگران بین دو لبه سوءمدیریت و توطئه خارجی



هم اکنون دچار یک بحران تمام‌عبار شده است.

کارخانه آل‌مینیموم‌سازی المهدی نیز نمونه دیگری است که می‌رفت به سر نوشت سایر کارخانجات خصوصی‌سازی دچار گردد. جداز تخلفات آشکار در نحوه قیمت‌گذاری و فروش کارخانه بلافاصله پس از واگذاری دیگرهای جداسازی در کارخانه یکی پس از دیگری خاموش شدند و پرداخت حقوق کارگران نیز عقب افتاد. خوشبختانه در ایس میان مداخله نهادهای نظارتی و بازپس‌گیری کارخانه و واگذاری مدیریت آن به شرکت مینا سبب شد تا از فاجعه مشابهی همچون هیکو و هفت‌تپه جلوگیری به عمل آید. هفت تپه، کارخانه رشت الکترونیک و دهامورد دیگر مشتی از این خرن بزرگ ناکارآمدی هستند.

■ **تشکیلات کارگری یا کارگرد سیاسی**
جناحی از سوی دیگر بزرگ‌ترین تشکیلات کارگری ایران یعنی خانه کارگر عملاً کوچک‌ترین تحرکی در حمایت از کارگران به عمل نمی‌آورد. بدیهی است که نهادهای یگانه و انتحساری چون «خانه کارگر» با تشکیلات و امکانات برابری، یک بازوی رفی حمایتی و بسیج‌کننده برای حمایت از کارگران باشد، اما در شرایط فعلی که کارگران انتظار حمایت از چنین نهادهای را دارند، کوچک‌ترین تحرکی را در این رابطه نمی‌بینیم. کوچک‌ترین اقدامی که این نهاد در شرایط فعلی می‌تواند انجام دهد، مذاکره با نهادهای قدرتمند اقتصادی برای اصلاح وضعیت موجود در واگذاری کارخانجات

است.

یکی از ایده‌هایی که تاکنون حتی یک بار نیز از سوی نهادهای مرتبط با خصوصی‌سازی مورد توجه قرار نگرفته فروش سهام کارخانجات به تعاونی‌های صنفی کارگری است؛ تجربه‌ای که چندین بار در کشورهایی همچون برزیل و آرژانتین به کار رفت و توانست نتایج بسیار خوب اقتصادی نیز داشته باشد.

در ماجرای هیکوی اراک نیز تعاونی کارگران این کارخانه پیشنهاد فروش سهام آن را مطرح کردند که متأسفانه به هیچ عنوان مورد توجه قرار نگرفت. تشکیلات خانه کارگر هم که مدعی است یک نهاد «صنفی» است و اصلاً کار سیاسی نمی‌کند، مجموعه‌هایی به نام «واحد علمی – کاربردی خانه کارگر» در سراسر کشور دارد و علاوه بر این هم روزنامه متعلق به این تشکیلات، یعنی روزنامه «کار و کارگر» (به مدیر مسئولی علی‌ریبی) و هم خبرگزاری کار ایران (ایبلا) مراحتاً آشکارا رسانه‌های اصلاح‌طلب شناخته می‌شوند.

به نظر می‌رسد زمان آن رسیده تا مسئولان تنها تشک صنفی کارگری پاسخ روشنی در قبال نحوه حمایت از کارگران به رسانه‌ها ارائه دهند. با در نظر گرفتن این موارد طبیعی است که برخی طرف‌های یگانه در صدد سوءاستفاده از شرایط سخت کارگران باشند، به عنوان مثال مارک دوبویوتز مدیر لابی صهیونیستی موسوم به بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها در سرقاله خود در روزنامه وال استریت ژورنال که فروردین سال جاری منتشر

یمن، گفت: بحران یمن که بیش از ۵۰ماه از شکل‌گیری آن به

دلیل تداوم تجاوز نظامی عربستان سعودی به این کشور سبزی شده است، هیچ گونه راه‌حل نظامی ندارد و تنها در چارچوب گفت‌وگوهای یمنی – یمنی و بدون دخالت طرف‌های ثالث قابل اتمام است.

وی ادامه داد: دفاع همه‌جانبه مردم ستم‌دیده یمن در برابر تجاوز خارجی و کشتار بی‌رحمانه شهروندان این کشور، حق مشروع و قانونی آنها بوده و واکنشی طبیعی به بی‌رحمی متجاوزان است.

دریابان شمعخانی با اشاره به سخنان برخی مقامات امریکایی و تلاش برای ارتباط دادن حوادث رخ داده در عربستان به ایران تصریح کرد: سلاح‌های ارتش یمن توسط خودشان طراحی و ساخته می‌شود و منتسب نمودن آن به کشورهای دیگر، فرار به جلو به منظور عدم‌پاسخگویی در ائتلاف منابع برای خرید تجهیزات پیشرفته و غیر مؤثر نظامی از کشورهای غربی است.

وی در پایان خاطر‌نشان کرد: سیاست راهبردی ایران، کاهش تنش، اجتناب از هر گونه درگیری و رفع بحران‌های منطقه‌ای از طریق گفت‌وگو است، به همین دلیل با آمادگی کامل هر گونه قصد و اقدامی برای تعرض به کشور یا منافع جمهوری اسلامی را زیر نظر داشته و به شدیدترین وجه که می‌تواند موجب شگفتی متجاوزان باشد به شرارت‌های احتمالی پاسخ

خود نوشت: کاربری به نام سید حسین عبدی در صفحه شخصی خود نوشت: مهناز افشار و علی مطهری که در ماجرای دختر آبی خیلی نگران تضییع حقوق ملت بودند.

■ **سؤال از اصلاح‌طلبان**
کاربری به نام سید حسین عبدی در صفحه شخصی خود نوشت: مهناز افشار و علی مطهری که در ماجرای دختر آبی خیلی نگران تضییع حقوق ملت بودند.

چرا در ماجرای هیکو ساکتین؟ کارگران هیکو آدم نیستن؟ به صلاح‌تون نیست از درد و رنج اینها یگین؟ یا نه کلاس نداره؟ یا نون توش نیست؟ یا چی؟

نتیجه مقاومت فعال

کاربری به نام فاطمه محبی نیز نوشت:

یعنی‌ها با دست خالی اونقدر مقاومت کردن که حالا به این عزت رسیدن، ببینید عضو گروه الحوتی یا کمربند نظامی میاد در تلوزیون الجزیره قطر (متحد سابق عربستان) و از این تریبون مهم، حقانیت و مظلومیت ملتش رو به گوش دنیا می‌رسونه!
شکل این پوشش برای مجری جلب توجه کرده و دلیش رو می‌پر سه...

محمد اخیتیجی میگه، ول‌آلباس سنتی ماست و ثانیاً ما در حال جنگیم و یک اجماع جهانی علیه ما شکل گرفته او باید مقاومت کنیم.ا.

انقلاب پولساز!

مهدی الیاسی نیز نوشت:

گویا آقای نعمت‌زاده هم مثل سایر مقامات، مدعی شده قبل از انقلاب پولدار بوده و بعد از انقلاب چیزی به ثروتش اضافه نشده. کم‌کم میشه به این نتیجه رسید که انقلاب ۵۷ انقلاب یک عده بچه پولدار بوده نه انقلاب مستضعفان و پابز هنتگان!

نتانیا‌هو، آینه عبرت ترامپ شد

محمد ایمانی تحلیلگر مسائل سیاسی و فعال رسانه‌ای در کانال شخصی خود در تلگرام نوشت: گفته می‌شد تحرکات نظامی نتانیا‌هو ظرف چند ماه اخیر علیه سوریه و لبنان و غزه و برای قدرت‌نمایی و جلب افکار عمومی صهیونیست‌ها در آستانه انتخابات است. اما طبق نتایج اولیه انتخابات اسرائیل، موقعیت حزب او به شدت افت کرده و در معرض شکست قرار گرفته است. به نظر می‌رسد ضربات غافلگیرکننده حزب‌الله و حماس و جهاد اسلامی در ۹ماه گذشته، تاثیر مهمی در سقوط موقعیت نتانیا‌هو داشته است. خبرگزاری آسوشیتدپرس نوشت: «آینده سیاسی نتانیا‌هو با تردید رو به روش نخست‌وزیر اسرائیل و متحدان تندرو او موفق به کسب اکثریت پارلمان نشدند.»

همچنین خبرگزاری اردن به نقل از یک کارشناس عرب‌اسرائیلی تأکید کرد: «دوره نتانیا‌هو به سر آمد و توافق قرن هم با او به پایان رسیده است.» ترامپ هم در امریکا در حالی به استقبال انتخابات می‌رود که بهتر از هر کس می‌داند کمترین درگیری نظامی می‌تواند به چاه ویلی بی‌انتهای و باتلافی مهلک برای او تبدیل شود، بنابراین مرتکب چنان حماقت پرسرخی که جمع کردن آن امرامیکا نیست، نخواهد شد، مگر اینکه قصد خودکشی به سرش زده باشد و او مرد این کار هم نیست.

گزاره‌خبر

اقدام کانادا

باهیج یک از قوانین بین‌الملل سازکاری ندارد

اقدام نامتعارف دولت کانادا درمورد فروش ده‌ها میلیون دلار از اموال مصادره شده جمهوری اسلامی ایران با **باهیج یک** از قوانین بین‌الملل سازکاری ندارد. حسین نوش‌آبادی، سفیر سابق و نماینده تام‌الاختیار جمهوری اسلامی ایران در کشور عمان در گفت وگو با تسنیم، درمورد فروش غیرقانونی اموال ایران توسط دولت کانادا گفت:اقدام نامتعارف دولت کانادا درمورد فروش ده‌ها میلیون دلار از اموال مصادره شده جمهوری اسلامی ایران با هیچ یک از قوانین بین‌الملل سازگاری ندارد.

وی گفت: دولت اوتاوا با فروش ساختمان مرکز فرهنگی ایران و نیز ساختمان مرکز مطالعات ایران در شهر تورنتو و همچنین برداشت غیرقانونی از حساب‌های بانکی ایران در کانادا که حدود ۲میلیون و ۶۰۰هزار دلار است، نشان داد هیچ یک از موازین حقوق بین‌المللی را رعایت نمی‌کند و پایبند به تعهدات و مقررات بین‌المللی نیست. نوش‌آبادی با بیان اینکه کانادا بخشی از اموال مصادره شده ایران را که حدود ۲۸میلیون دلار است، به صورت غیرقانونی به فروش رساند، تصریح کرد: متأسفانه دولت کانادا که از سال ۲۰۱۲ به بهانه حمایت ایران از دولت قانونی سوریه روابط دیپلماتیک خود را با تهران قطع کرده است این بار به بهانه واهی پرداخت غرامت به قربانیان ادعایی تورپسم در سراسر جهان، بخشی از اموال مصادره شده ایران را که حدود ۲۸میلیون دلار است به صورت غیرقانونی به فروش رساند.

نوش‌آبادی این اقدام کانادا را محکوم کرد و گفت: بدیهی است این اقدام دولت کانادا در تقابل آشکار با حقوق بین‌الملل است و کاملاً محکوم است. بدون شک دولت جمهوری اسلامی ایران این موضوع را از طریق مجاری حقوقی بین‌المللی و نیز مجاری دیپلماتیک پیگیری می‌کند و بدون هیچ‌گونه مصالحه و ممانعت در جهت لغو این تصمیم غیرقانونی اقدام خواهد کرد.

کارشناس بین‌الملل:

تغییر بولتون
دلیلی بر رفتار معتدلانه امریکا نیست

همه شخصیت‌هایی که در اطراف ترامپ هستند از جمله پمپئو، جزو چهره‌های افراطی و وابسته به لابی صهیونیستی هستند. حسین‌های‌زاده کارشناس مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با راه‌آدا با اشاره به برکناری جان بولتون از کاخ سفید اظهار داشت: جان بولتون یکی از شخصیت‌های وابسته به لابی صهیونیستی است و منافع رژیم اسرائیل را بر منافع امریکا ترجیح می‌دهد. هانی‌زاده شکست طرح معامله قرن، شکست امریکا در برابر تحریم‌های اعمال شده علیه ایران و همچنین شکست امریکا در برابر روسیه، چین، کره شمالی و ونزوئلا را ناشی از سیاست‌های افراطی بولتون دانست و اذعان داشت: با توجه به شکست‌های پی در پی امریکا در حوزه سیاست خارجی، نهایتاً ترامپ به این نتیجه رسید که استفاده از تجربه سیاسی بولتون به ضرر امریکاست.

این کارشناس با تأکید بر اینکه این نرم‌نشی از مقاومت ملت ایران است، اشاره کرد: اگر ترامپ بخواهد واقعاً رفتار ملایم‌تری نسبت به ایران داشته باشد، باید به توافقنامه برجام برگردد و همه تحریم‌های خود علیه ایران را لغو کند، اما به نظر نمی‌رسد در شرایط فعلی اشارات مثبتی از سوی امریکا وجود داشته باشد. وی به نفر جدید معرفی شده ترامپ به‌عنوان مشاور امنیت ملی اشاره کرد و گفت: همه شخصیت‌هایی که در اطراف ترامپ هستند از جمله پمپئو، جزو چهره‌های افراطی و وابسته به لابی صهیونیستی هستند. هانی‌زاده با تشریح اینکه سیاست امریکا قبل از این ریاست به مقامات کاخ سفید ندارد، عنوان کرد: تغییر و جابه‌جایی بولتون دلیلی بر رفتار معتدلانه امریکانیت و پایدار انتظار بود که آیا ترامپ از سیاست‌های گذشته خودش بشیمان شده یا همچنان به دنبال رفتار تهاجمی علیه ایران است.